

## تلاش نافرجام برای تغییر فطرت انسانی

ذات اقدس الهی هشدار می‌دهد که شیطان می‌کوشد عده‌ای آفرینش خدا را عوض کنند...



ذات اقدس الهی هشدار می‌دهد که شیطان می‌کوشد عده‌ای آفرینش خدا را عوض کنند: **وَلَاءُمُرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُّبِينًا**. (1) این تغییر به معنی تعویض فطرت بشر نیست، چون شدنی نیست: **لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ** (2)؛ اما تغییر به معنای تضعیف و تحریف و تفسیر به رأی شدنی است؛ همانند قرآن که کم و زیاد کردن آن هرگز ممکن نیست؛ اما تفسیر به رأی آن شدنی است. (3) فطرت انسانی و دین آسمانی، هر دو از کلمات تام و ثابت الهی است که دگرگونی در آنها راه ندارد: **لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ**. (4) خدا انسان را آفرید و به او فطرت توحیدی بخشید و چنین آفرینش ویژه‌ای مطلقاً ثابت است و به هیچ‌گونه دگرگون نمی‌شود: **لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ**. (5) خداوند آن را دگرگون نمی‌کند، چون این کار وقتی موجه است که آفریننده در آغاز آفرینش فاقد آگاهی لازم باشد و در تجارب بعدی، به تدریج آگاه شود و آفریده خود را دگرگون کند، در حالی که این تحول نسبت به مبدأ علیم محض و قادر صرف، مستحیل است، لذا اعلام می‌فرماید انسان را با بهترین وضع آفریده است: **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ** (6) و هرگز در آفرینش الهی نقصی نیست تا آن را عوض کند. غیر خدا هم آفرینش را تغییر نمی‌دهد، چون هرگز قدرت تغییر کار خدا را ندارد، زیرا همه آفریدگان سپاهیان الهی‌اند: **وَلِلَّهِ جُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ** (7) و سمتی جز اجرای دستور الهی ندارند: **مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ** (8) و بدون اذن الهی کاری نمی‌کنند؛ خواه آنان که مدبر علمی اویند؛ یا مجری امر وی. آیه‌ای که دلالت دارد خلقت خدا تغییر نمی‌یابد، نظیر این آیه است: **فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا** (9)؛ سنت الهی هیچ‌گاه تبدیل و تحویل‌پذیر نیست، زیرا بهترین و متقن‌ترین سنت است. تفسیر انسان به رأی، شدنی است و هم شده است؛ اما حقیقت او محفوظ است؛ یعنی ابتلا به بد فهمیدن انسان در مقام انسان‌شناسی عمداً یا سهواً و علماً یا جهلاً ممکن است، از این رو به بشر توصیه کرده‌اند که پیش از اینکه دیگران کتاب درون او را تحریف و به رأی تفسیر کنند و به نام **#171**؛ پلورالیسم انسان‌شناسی» یا کثرت قرائت و اختلاف تفسیر، حقیقت انسان را چیزی دیگر نشان دهند، خود را به خوبی بشناسد. یکی از برترین سخنان سالار شهیدان، حسین بن علی (علیهما السلام) این است: **#171**؛ **دراسة العلم لقاح المعرفة** (10)؛ درس و بحث، تلقیح است، تا انسان ظاهر و باطن خود و نیز خدایش را کاملاً شناسایی کند و آن‌گاه جهان و پیوند خود را با آن بشناسد، وگرنه دیگری انسان را به رأی تفسیر می‌کند و نظام ارزشی او را تغییر می‌دهد.

1. سوره نساء، آیه 119.

2. سوره روم، آیه 30.

3. اموی، مروانی و عباسی قرآن را به رأی خود تفسیر می‌کردند: یزید کنار کرسی سلطنت شام، آیه **#171**؛ **قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تَوْتِي الْمَلِكِ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّن تَشَاءُ** (سوره آل عمران، آیه 26) را خواند و با تفسیر به رأی خود چنین القاء کرد که خدا خواست سلطنت بر جامعه اسلامی را به اموی بدهد و از بنی‌هاشم بگیرد؛ ولی زینب کبری! آن مغالطه را رد کرد و از تحریف و تفسیر به رأی او پرده برداشت و آیه **#171**؛ **وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ خَيْرٌ لَّانفُسِهِمْ إِنَّمَا نُثَمِّلِي لَهُمْ لِيَزَادُوا إِثْمًا** (سوره آل عمران، آیه 178) را به وی یادآور شد (ر.ک: بحار الأنوار، ج 45، ص 133، 131 و 157).

4. سوره یونس، آیه 64.

5. سوره روم، آیه 30.

6. سوره تین، آیه 4.

7. سوره فتح، آیه 4.

8. سوره بقره، آیه 255.

9. سوره فاطر، آیه 43. 10.

بحار الأنوار، ج 75، ص 128. تفسیر انسان به انسان، ص 357-359.